

به شفقت نیاز مندترین
تاسیساتعلی ورامینی
دبیر گروه فرهنگ

اینکه نتایج و بلافاصله بعد از سخنرانی اش در سازمان ملل به اتاق جنگ می‌رود و بمباران ضاحیه را فرماندهی می‌کند، آیکونیک‌ترین تصویر از سازوکار جهان امروز را ترسیم می‌کند. بعد از همه سببیت‌ها، قتل‌ها، آواره شدن‌های تاریخ، پدید آمدن سازمان ملل و بعدتر اتحادیه اروپا نوید این را می‌داد که جهان راه و رسم دیگری را پیش خواهد گرفت. گویی جهان به سمت صلح پایدار کانت در حرکت بود. استعمارگران قدیمی به ظاهر از کشورهای مستعمره رفته بودند و جهان دیگر به دهکده جهانی در حال تبدیل شدن بود. آنها نیک می‌دانستند که میراثشان در کشورهای مستعمره، دخل و تصرفشان در مرزبندی‌های کشورهای قدیمی به این زودی‌ها از بین نخواهد رفت. آنها می‌دانستند که جنگ نه از بین خواهد رفت نه یکسره برایشان مطلوب است که جنگ از بین برود. برای همین جنگ را به جای دیگری بردند و شکلی نو به آن دادند. خارمیانه در معادله جدیدشان نقش مهمی داشت به خصوص که رژیم و کشور تازه تاسیس شان نیاز به مراقبت داشت. حالا امروز نزدیک به ۸۰ سال پس از تاسیس سازمان ملل نتایج و ثابث می‌کند که نه سببیت از بین رفته و نه مهره‌های اصلی نظم نوین جهانی، توانایی و اساساً اراده‌ای برای جلوگیری از وحشی‌گری دارد. نتایج و ثابث خودشان به فساد و رشوه متهم شده، در دیوان لاهه پرونده‌های باز به جرم جنایت علیه بشره دارد، فقط در یک سال گذشته نزدیک به ۴۲ هزار انسان را در غزه کشته است که بیشتر آنها زن و کودک بودند و قریب به اتفاقشان غیرنظامی. عجیب‌تر اینکه او همزمان که به سازمان ملل می‌رود در حال آدم‌کشی و آواره کردن میلیون‌ها انسان است، این است که بسیاری تحت سیطره پروپاگاندا او را مشغول کاری عادی و حرمانت از کشورش می‌دانند. فرض این است که صفات و اعمال چنین شخص وحشی‌ای را برای هر آدمی که به لحاظ سلامت روان عادی باشد و به لحاظ اخلاقی زدل نباشد تعریف کنیم، حس نفرت و انزجار از او در درونش پدید بیاید. اصلاً نام نتایج و ثابث را بردارید، بگویند آقای فلان یا خانم بهمان این تعداد کودک کشته، خانه‌های بسیاری را خراب و مردمان بی‌شماری را آواره کرده است، توقع می‌رود یک شهر و دهکده معمولی چه حسی نسبت به فاعل این اعمال پیدا کند؟

پرسش بسیار مهم این است که چرا بعضی از مردم نه فقط او را سفاک نمی‌پندارند که بعضاً تا قهرمان پنداشتن او هم پیش می‌روند؟ طرح و جواب به این پرسش می‌تواند نقطه عزیمت انسان بودن در دنیای امروز باشد. اینکه آیا به صرف بغض به جریان، گروه یا نظام سیاسی باید تمام دشمنان او را دوست و خوب کردار بدنامیم و تمام دوستانش را دشمن؟ آیا بودن در یک وضعیت بد و عناد با آن که می‌پنداریم مسبب این وضعیت‌اند از ما به عنوان انسان سلب مسئولیت می‌کند تا دیگر به درست و غلط نیندیشیم و در یک تقسیم‌بندی کلی از دیگری که می‌پنداریم با ما نیستند انسانیت‌زدایی کنیم؟ در حقیقت سیاست از ما انسانیت‌زدایی می‌کند. همانطور که آمریکا از ویتنامی‌ها، عراقی‌ها... برای بسط امپراطوری‌اش انسانیت‌زدایی کرد، همانطور که مودی از مسلمانان مردمان غزه و لبنان انسانیت‌زدایی می‌کند تا به راحتی خاک و آبادی‌شان را به توبه بکشد. سیاست سخت پیچیده و غبارآلود است. ما مردمان کمتر به منابع اصلی و پیچیدگی‌هایش دسترس می‌داریم. این پیچیدگی‌ها را نباید از ما سلب مسئولیت اخلاقی کند. ما باید خط قرمز برای خود داشته باشیم و چه خط قرمزی مهمتر و غیرقابل گذشتتر از جان انسان‌های بی‌گناه؟ واقعاً ما را چه افتاده است که از آواره شدن انسان‌ها و کشته شدن بچه‌ها که مانع نمی‌گردد و حتی به خیال اینکه به دشمن ضربه‌ای خورد، بساط شادی‌های پهن می‌کنیم. آنچه جهان امروز و هر روز پیش از سیاست‌ورزی و موضع‌گیری سیاسی به آن نیاز دارد شفقت است. ما همزمان می‌توانیم شهردار را نقد کنیم که مگر آن ۵۰ جان عزیز می‌کند که زیر آوار معدن ماندند هموطن نبودند که بیلبوردی را به آن اختصاص دهید و می‌توانیم رئیس صداوسیما را ملامت کنیم که روبرای مشکلی برای داغ معدنچیان طبعی نگذاشتی و همزمان همدل باشم با مردمانی که چند صد کیلومتر آن‌رتر آواره شدند. همزمان به کودکی که قربانی جنگ و قحطی می‌شود نیندیشیم. به این فکر کنیم که بطور اگر خاری بر پای کودک خودمان برود انگار که بر قلب و چشم‌مان رفته است، آن کودک فلسطینی و لبنانی هم مثل کودک ما گوشت و پوست دارد و درد و رنج می‌کشد. ما امروز بیش از هر زمانی نیاز داریم که برای خودمان خط قرمز مشخص کنیم.

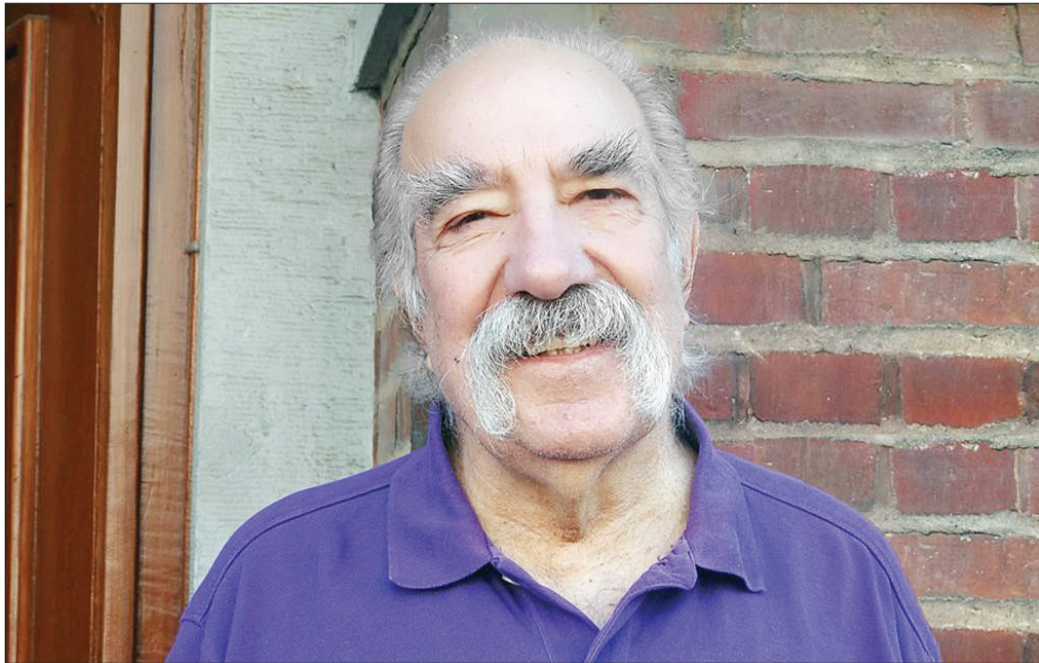
۲۴ ساعت
24 HOURS

۱۶

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

تلفن روابط عمومی: ۰۸۸۷۴۹۳۰۰۰، تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱، آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷، نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن، تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴، توزیع: نشر گستر امروز نوین، تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریاچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • امید عرب (مدیر آنلاین)
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی



دور از خانه

فریدون تنکابنی پس از ۴۱ سال دوری از وطن
در ۸۷ سالگی در کلن آلمان درگذشت

از سوی دادگاه نظامی محکوم شد و پس از نوشتن کتاب «اندوه سترون بودن» نیز، سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ را در زندان قزلحصار گذراند. فریدون تنکابنی که از جمله بنیان‌گذاران کانون نویسندگان ایران بود در پاییز ۱۳۵۶ به مشارکت در برگزاری «۱۰ شب شعر انجمن گوته» پرداخت. او در ۱۰ شب شعر و سخنرانی کانون نویسندگان ایران که در انستیتو گوته تهران برگزار شد شرکت داشت و در شب نهم، داستان «هذیان‌های دیوانه‌ای گرفتار در قفس تنگ آهنین داغ» را برای حضار در باغ انجمن روابط فرهنگی ایران و آلمان خواند. او پیش از خواندن این داستان با بیان این که خوانندگانش را از او گرفته‌اند، یعنی به کتاب‌هایش اجازه انتشار نمی‌دهند، گفت با حضور در «۱۰ شب شعر انجمن گوته» شنوندگان را جانشین خوانندگان می‌کند و داستان «هذیان‌های دیوانه‌ای گرفتار در قفس تنگ آهنین داغ» را به این علت می‌خواند که داستانی طنزآمیز است و در آن مسائل اجتماعی را در قالب طنز مطرح کرده است. تنکابنی در گفت‌وگویی با شمیم دوستدار که در شهریورماه ۱۳۹۱ در کلن انجام و در بی‌بی‌سی منتشر شد، شب‌های کانون نویسندگان یا شب‌های انستیتو گوته در سال ۱۳۵۶ را یک اتفاق استثنایی و فوق‌العاده خواند و از این گفت که این شب‌ها در ذهن همه آن‌هایی که در برگزاری‌اش نقش داشتند، مانده است. او همچنین معتقد بود، کانون نویسندگان ایران از این موقعیت مناسب به سود خودش بهره‌برداری کرد، بدون این که به حاکمیت آوانسی داده باشد.

▼ اخراج از کانون نویسندگان ایران

این که چرا توده‌ای‌ها از جمله فریدون تنکابنی از کانون نویسندگان ایران اخراج شدند، داستانی مفصل است که باقر پرهامی، عضو هیئت‌رئیس کانون نویسندگان ایران در سال‌های انقلاب شرح مفصلی در موردش ارائه می‌دهد. او با اشاره به این که دعوی هیئت‌دبیران کانون نویسندگان ایران عبارت از خودش، احمد شاملو، محسن یلفانی، غلامحسین ساعدی و اسماعیل خوتی با اعضای توده‌ای کانون در سال ۱۳۵۸ شکل گرفت، از روزگاری می‌گوید که روابطشان با توده‌ای‌ها هنوز به حد بحرانی که به اخراج آن‌ها بینجامد نرسیده بود. آن طور که پرهامی می‌گوید، اعتراض‌های آن زمان کانون به موارد نقض آزادی بیان و امنیت کارکنان مطبوعات، مطبوع طبع توده‌ای‌های کانون نبوده است و در نتیجه هیئت‌دبیران کانون احساس کرده‌اند توده‌ای‌ها عرصه را بر آن‌ها تنگ کرده‌اند و اگر بخواهند به دلخواه آن‌ها عمل کنند، در واقع باید بپذیرند که کانون چیزی جز زانده‌ای بی‌پوش و خاصیت نباشد. پرهامی با بیان این که تبلیغات توده‌ای‌ها علیه هیئت‌دبیران کانون موجب نگارش مقالاتی بر ضد آن‌ها و طرح اتهاماتی خطرناک علیه این هیئت شد، با اشاره به مواردی دیگر می‌گوید در نهایت هیئت‌دبیران کانون احساس کرد چاره‌ای جز اخراج توده‌ای‌ها از کانون ندارد. در نتیجه اخراج تنکابنی، به‌آذین، کسرانی، ابتهاج و برومند از کانون تأیید نشد و به دنبال این واقعه بود که کل عناصر توده‌ای، به همراه این پنج نفر، به میل خود از کانون نویسندگان ایران جدا شدند و کانون دیگری موفق با سیاست‌های حزب توده تاسیس کردند.

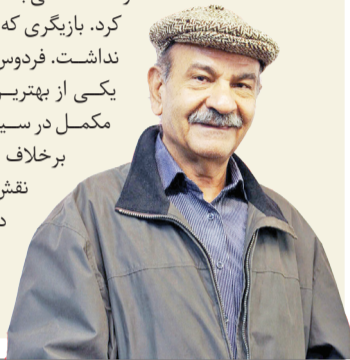
▼ از مهاجرت تا مرگ

فریدون تنکابنی پس از دستگیری رهبران حزب توده در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۱ و پیگرد اعضای این حزب، ایران را از راه کردستان ترک کرد. او حدود یک‌سال بعد از ترکیه به آلمان غربی رفت، ساکن شهر کلن شد و در خلال سال‌های بعد با سرمایه‌شخصی به انتشار کتاب‌هایش سرگرم بود تا زمانی که در منزلش گرفتار سانحه شد، به بیمارستان انتقال پیدا کرد، مدتی بستری بود و پس از آن که سلامتش را تا حدی بازیافت، به یکی از خانه‌های سالمندان در شهر کلن منتقل شد و چنان که خود طنازانه می‌گفت، در نهایت به ایستگاه آخر رسید.

چهره

نقش منفی را دوست نداشت

دوست‌داشتنی بودنش از صمیمی و بی‌ریایی در شیوه بازیگری‌اش هم پیدا بود. بر این باور بود که اگر اجتماع را بر مبنای دوستی بگذاریم، همه مسائل و مشکلات از بین خواهد رفت. حالا یک‌سال از مرگ «فردوس کاویانی» می‌گذرد. وقتی درگذشت، همه از او به نیکی در اخلاق و توانایی در بازیگری یاد کردند، با یک افسوس و دروغ که او آنچنان که شایسته‌اش بود، قدر ندید و روزگار هم با او بد تا کرد تا رنج بیماری و افتادگی را بر دوش بکشد و زمین‌گیر و خانه‌نشین شود و نتواند در صحنه بازیگری حضور یابد، تا اینکه در ۸۲ سالگی با این جهان فانی وداع کرد. بازیگری که نقش منفی را دوست نداشت، فردوس کاویانی، بدون شک یکی از بهترین بازیگران نقش‌های مکمل در سینمای ایران است. او برخلاف اینکه در تئاتر اغلب در نقش اول ظاهر می‌شد، اما در سینما ترجیح می‌داد که بیشتر نقش مکمل بازی کند.



کتابخانه

بحث نکن، به فکر چاره باش

در دورانی از تاریخ معاصر زیست می‌کنیم که هم اهل فکر و هم مردم عادی، بر ضرورت عملگرایی تأکید می‌کنند به‌ویژه در حوزه سیاست و قدرت. دکتر غلامرضا خاکی در کتاب «عملگرایی به شرط عقلانیت اخلاقی» تلاش کرده تا در قالب رساله‌ای علمی با هدف کندوکاو و ایده‌پردازی به مفهوم عملگرایی بپردازد. نگارنده در سه بخش به این موضوع پرداخته است. نوشتارهای بخش (الف) درباره مقدمات موضوع بحث کرده، سپس در نوشتارهای پنج‌گانه بخش (ب)، ایده عملگرایی و مؤلفه‌ها و ویژگی‌های انواع عملگرایی و... را شرح داده است. او در بخش (ج) هم نوشتاری پشتیبان و روشنگر درباره نظر و عمل‌پرسشنامه‌ای برای سنجش میزان عقلانیت اخلاقی در عملگرایی آورده است. او این مفهوم را با درکی در برداشت از مفاهیم تجربه و کاربرد در ایران بسط داده است. اگر کسی چون سعدی گفته «به عمل کار آید به سخندانی نیست»، به‌معنای آن است که سخن ارزشی ندارد، بلکه شیخ اجل هشدار داده‌اند که بدنامی هرچند نظر، مبنای عمل است اما نباید در جاذبه‌های آن معطل ماند و تلاش برای بهبود واقعیت‌ها را راه کرد.



عملگرایی به شرط
عقلانیت اخلاقی
نویسنده:
دکتر غلامرضا خاکی
انتشارات: همرخ

تاریخ

عملیات مسلم بن عقیل



عملیات مسلم بن عقیل عملیات نیمه‌گسترده نظامی نیروهای مسلح ایران، در خلال جنگ ایران و عراق، با تعداد ۹۰ مهرماه ۱۳۶۱ با فرماندهی مشترک ارتش و سپاه پاسداران، به مدت هفت روز در منطقه سومار انجام شد. هدف این عملیات، آزادسازی چندین ارتفاع مرزی، انهدام نیروهای ارتش عراق و تصرف ارتفاعات مشرف بر شهر مندلی بود و به‌رغم آماده‌باش کامل یگان‌های عراقی، نیروهای ایرانی در کمترین زمان و با اصل غافل‌گیری، ۱۵۰ کیلومتر از خاک ایران را آزاد، حدود ۳۰ کیلومتر از خاک عراق را تصرف و تمام اهداف مشخص شده در طرح عملیات را محقق کردند و در تاریخ ۱۵ مهرماه ۱۳۶۱ به این عملیات پایان دادند. نیروهای خودی ضمن تأمین دشت سومار، روی ارتفاعات کیسکه و کهنه ریگ مستقر و بر تنگه‌های مرزی مسلط شدند. این عملیات با حضور شهید محراب، آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی و به فرماندهی شهید حاج محمدابراهیم همت به اجرا درآمد و در جریان آن ۴۲۷۵ نفر عراقی کشته و زخمی شدند.